نقل‌قولی از مژگان ربانی، بازیگر نقش محبوبه

ربانی در گفت‌وگویی درباره برخورد مخاطبان «کیف انگلیسی» با او در زمان پخش سریال بیان کرده است: راستش زمانی که در سریال کیف انگلیسی نقش محبوبه را ایفا می‌کردم که به دستور خان از همسرش جدا می‌شود و با او ازدواج می‌کند، مردم برخوردهای بدی با من داشتند و می‌گفتند چرا شوهرت را ول کردی؟ همه عمرم محبوبه سریال کیف انگلیسی جایگاه ویژه‌ای برایم دارد، چون اولین بار نقشی را بازی کردم که دور از خودم بود.

نقل‌قولی از پیمان شریعتی، بازیگر نقش علی

شریعتی درباره موفقیت این سریال بیان کرده است: فکر می‌کنم زمانی که آقای دری تصمیم به ساخت این سریال گرفت، مقطع حساسی به لحاظ تحولات سیاسی و اجتماعی داخلی در ایران بود. خاطرم است که زمان تصویربرداری این کار با انتخابات مجلس همزمان شده بود. فضای این چنینی بر ایران حاکم بود و به همین دلیل سریالی مانند کیف انگلیسی که موضوعی سیاسی داشت، مورد توجه مردم قرار گرفت.

سریال خاطره‌انگیز «کیف انگلیسی» ۲۰ ساله شد و ما به این مناسبت به آن نگاهی انداخته‌ایم

یک عاشقانه سیاسی

نوشین مجلسی
فاطمه شهدوست
رسانه

کیف انگلیسی سال ۷۸ مقابل دوربین رفت و سال ۷۹ از شبکه یک سیما پخش شد. فیلمنامه را زنده‌یاد سیدضیاالدین دری نوشته بود و بعدا کارگردانی و تدوین سریال را هم دست گرفت تا بهترین اثر کارنامه خودش در سینما و تلویزیون را رقم بزند. انگار همین دیروز بود و شاید باورتان نشود زمستان امسال سریال محبوب و جنجالی آن سال‌های تلویزیون ۲۰ ساله می‌شود! ما به همین مناسبت نگاهی به وجوه مختلف آن انداخته‌ایم، با یکی از بازیگران آن گفت‌وگو کردیم و از یک منتقد درباره چرایی ماندگاری این سریال پس از گذشت این همه سال پرسیده‌ایم.

کیف پرحاشیه انگلیسی

خط اصلی قصه «کیف انگلیسی» درباره دکتر منصور ادیبان، فردی تحصیلکرده و فرنگ رفته است که سعی دارد پا در دنیای سیاست بگذارد اما در این مسیر با مستانه پیرایش، دختری از خانواده‌ای صاحب‌نفوذ آشنا می‌شود که به او برای رسیدن به صندلی مجلس کمک بسیاری می‌کند اما ادیبان پس از این آشنایی، دیگر ادیبان سابق نمی‌شود. او از خانواده خود و آرمان‌هایش دور می‌شود و در دام بازیگردانان داخلی و خارجی عرصه سیاست کشور در آن سال‌ها می‌افتد. این شخصیت که تا جایی از قصه، خیال می‌کند در این مسیر همه کاره است و سرنوشت خود را در دست دارد، در واقع بازیچه‌ای بیش نیست.

دری، متن سریال را بر اساس طرحی از زنده‌یاد سیدمحمدتقی دری نوشته بود و داستان علاوه بر تم سیاسی که داشت، فضای اجتماعی و فرهنگی دهه ۲۰ کشور را به نمایش می‌گذاشت و همه اینها را از دالان ماجرایی عاطفی و خانوادگی عبور می‌داد که دیدنش برای مخاطبان از سنین مختلف را جذاب می‌کرد. زنده‌یاد دری در گفت‌وگویی بیان کرده بود که تخمین زده بودند، بینندگان سریال بالای ۲۰ سال باشند، اما سریال در زمان پخش از ۱۲ سال به بالا را درگیر خود کرده بود. سریال ۱۳ قسمتی کیف انگلیسی اواخر دهه ۷۰ روی آنتن بود و آن موقع با وجود آن‌که تماشاگران از عوام تا خواص را به بیننده خود بدل ساخته

بود، هر دم مورد نقد طیف‌های مختلف سیاسی قرار می‌گرفت. بسیاری آن را تلاشی برای از ریشه زدن مجلس ششم می‌دانستند، برخی بر این باور بودند که این سریال و دیالوگ‌های پر از تکه‌های سیاسی‌اش چیزی فراتر از یک دوره مجلس را نشانه گرفته است. کارگردان «کیف انگلیسی» اما در مصاحبه‌هایش چنین نیت‌هایی پشت فیلمنامه را رد کرده بود.

با تمام این داستان‌ها، کیف انگلیسی از پس سال‌ها همچنان به عنوان یک اثر قابل دفاع از منظر، کارگردانی، بازیگری، دیالوگ‌نویسی و فضاسازی مناسب در فیلمنامه و اجرا در تاریخ تلویزیون باقی مانده و در بازپخش‌ها نیز مخاطبان تازه‌ای را جلب کرده و بینندگان قدیمی را نیز بار دیگر با خود همراه کرده است.

کیف انگلیسی و داستانی برای همه زمان‌ها

مازیار معاونی
منتقد سینما و تلویزیون

از چند منظر می‌شود به موفقیت کیف انگلیسی نگاه کرد. محتوای این مجموعه یکی از این موارد است. این سریال مسائلی را روایت می‌کرد که خیلی مختص آن زمان خاص روایت داستان نبود و به زمان قبل و بعد از خودش قابلیت تعمیم و ارجاع داشت. این باعث می‌شود با وجود گذشت دو دهه از آن، هر بار که پخش می‌شود به واسطه بعضی از بخش‌ها و رگه‌های داستان با روزهای کنونی هم تطبیق پیدا کند و این کار باز هم اثرگذاری خودش را از دست ندهد. مثل خیلی از رمان‌ها و نمایشنامه‌های بزرگ دنیا که نمی‌شود خیلی برایشان ظرف زمانی خاصی قائل شد، کیف انگلیسی هم به نوعی در این رسته جا می‌گیرد.

داستان این سریال دستمایه سیاسی دارد و در زیرمجموعه این دستمایه مواردی مثل طرق راه یافتن به مجلس و نماینده شدن مطرح شد، بحثی که تا همین الان هم حرف و حدیث‌های مختلفی درباره‌اش مطرح بوده است. علاوه بر این دستمایه عاشقانه و اجتماعی آن هم به شکلی است که یک شهر دورافتاده را با همه زوایای اجتماعی‌اش به تصویر می‌کشید، خیلی خوب و هنرمندانه با درون مایه کار جفت شده بودند.

کارگردان این سریال هم مرحوم دری بود که تا آن موقع چندان برای مخاطب تلویزیون شناخته شده نبود. او تا قبل از این کار بیشتر فیلم ساخته بود و زمانی که یک کار حساس را به چنین شخصی می‌سپارند، باعث می‌شود که توجه‌ها جلب شود تا ببینیم نتیجه کار چه می‌شود.

با همه اینها در مقایسه کیف انگلیسی با کلاه پهلوی که پروداکشن عظیمی داشت، می‌شود از آن درس گرفت که همیشه کارهای عظیم از نظر ساختار لزوما موفقیت کسب نمی‌کند. اتفاقی که برای خیلی از کارگردان‌ها هم رخ داد و این روند را طی کردند، جریانی که باعث می‌شود تفاوت کیفی عظیمی بین این کارها وجود داشته باشد، مثل تمایزی که بین کلاه پهلوی و کیف انگلیسی بود. اجل هم دیگر به آقای دری فرصت نداد که سومین کار این چنینش را بسازد.

در مورد بازیگران این سریال هم می‌شود به عنوان یکی از عوامل ماندگاری کیف انگلیسی یاد کرد. در زمانی که این کار پخش شد حدود چهار سال از شروع شکل گرفتن زوج بازیگری علی مصفا و لیلا حاتمی گذشته بود اما هنوز آن زوج جذابیت‌های زیادی داشتند، البته اگر این دو زوج الان هم در کاری با هم بازی کنند و پرداخت خوبی در آن وجود داشته باشد، باز هم زوجی‌اند که شیمی بازی‌شان به هم می‌خورد و برای مخاطب هم دوست داشتنی است. بازیگران دیگری مثل فرهاد اصلانی، قطب‌الدین صادقی و... هم در این ماجرا بی‌تاثیر نبودند. صادقی در این سریال البته بازیگر تمام وقت نبود اما به کلیت ماجرا با حضورش کمک زیادی کرد.

در کل این انتخاب‌ها که توسط محمدرضا شریفی‌نیا شکل گرفت، شخصیت‌هایی بودند که غالبا نقش‌شان را خاکستری منعکس کردند، اتفاقی که خیلی به طبیعت زندگی نزدیک‌تر است، کاری که در کلاه پهلوی چندان انجام نشد و شخصیت‌ها خیلی به سمت سیاهی یا سفیدی رفته بودند و از واقعیت دور بودند.

موجز و مختصر بودن داستان در انعکاس ماجرای یک تحصیلکرده از فرنگ برگشته و مقابله‌اش با استبداد و در نهایت تن دادنش به قدرت زمانه در چند قسمت؛ آن هم بدون پروداکشن عظیم و افراطی اتفاق دیگری است که موفقیت را برای کیف انگلیسی رقم زد و همه اینها باعث شد تا با گذشت نزدیک به دو دهه از آن همچنان در زمان پخش مخاطبانش را داشته و نگاه‌های زیادی را به خود جلب کند.

جذابیت‌ها و تازگی‌ها

به جز فیلمنامه و کارگردانی، این سریال برای مخاطبانی که چندان در پی چند و چون قصه و حرف‌های سیاسی داغی که در حاشیه آن زده می‌شد نبودند، جذابیت‌های و تازگی‌هایی داشت و برای برخی همین‌ها عاملی برای پیگیری سریال بود. در اینجا چند موردی را آورده‌ایم:

لباس و کلام: پوشش بازیگران این سریال، از مواردی بود که در آن سال‌ها درباره‌اش زیاد صحبت می‌شد و بسیاری آن را برای فضای آن سال‌های تلویزیون تازه به حساب می‌آورند. طراحی لباس سریال علاوه بر این‌که سعی داشت تا جایی که چارچوب‌ها اجازه می‌دهد به پوشش زنان آن دوره تاریخی نزدیک‌تر شود، زیبایی و چشم‌نوازی در انتخاب رنگ‌ها و مدل لباس‌ها را نیز در نظر داشت و همین موضوع باعث شد برای بسیاری از مخاطبان این فضا دیدنی‌تر باشد. علاوه بر این مورد می‌توان به لحن و دیالوگ‌هایی اشاره کرد که آن موقع کمتر در قاب تصویر به‌ویژه مدیوم تلویزیون، شنیده می‌شد و بسیاری آنها را تابوشکنانه تلقی می‌کردند، اما تمامی متناسب با قصه و فراخور شخصیت‌هایی بود که تصویر می‌کند.

هنرپیشه‌ها: بسیاری از بازیگران «کیف انگلیسی» در این سریال رخت تازه پوشیدند و در نقش‌هایی بازی کردند که پیش از آن کمتر یا هرگز تجربه‌اش را نداشتند و به همین واسطه دیده شدند. رضا کیانیان در نقش روحانی شهر، از جمله اینها بود. او در هیات این شخصیت، با لحن خاصی که برای خود انتخاب کرده بود و گریمی که سنش را بیشتر نشان می‌داد، چندان قابل شناسایی نبود، اما در خاطره‌ها ماند. این بازیگر در سریال کلاه پهلوی، نقشی با ویژگی‌های ظاهری مشابه داشت اما نتوانست این موفقیت را تکرار کند. سیروس گرجستانی، در نقش خان هم به درستی توانسته بود، سبعیت این شخصیت را در چهره و لحن خود جاری کند و پس از بیماری نیز درماندگی‌اش را به نمایش بگذارد و یکی از بهترین نقش‌های کارنامه خود را به جای بگذارد. حسام نواب صفوی، ایفاگر نقش پرویز افراشته، پسر خان هم آن زمان به جوان اول سریال بدل شده بود و این نخستین باری بود که این بازیگر آنقدر دیده می‌شد و خود را به مخاطبان معرفی می‌کرد. پرویز، شخصیتی منفی بود که به سکوی پرتاب این هنرپیشه در آن سال‌ها بدل شد.

موسیقی: اگر سنتان قد ندهد و «کیف انگلیسی» را در اولین پخش آن ندیده یا علاقه‌ای به سریال‌هایی با فضای سیاسی و تاریخی نداشته باشید، دست کم موسیقی‌اش را شنیده‌اید؛ نواهایی گوش‌نواز از فرهاد فخرالدینی بر اساس رنگ اصفهان از درویش خان، همچنین برگرفته از پیش‌درآمد اصفهان رضا محجوبی و والس موسیو لومر. فخرالدینی، در این سریال از تصنیف گشته خزان که از ساخته‌های عباس شاپوری است، استفاده کرد. خوانندگی این تصنیف را علیرضا قربانی به عهده داشت. آلبوم موسیقی‌ای هم به اسم کیف انگلیسی بعد از سریال منتشر شد.

دلدادگی مستانه

مستانه، شخصیت اصلی زن سریال بود که لیلا حاتمی نقشش را ایفا می‌کرد. این شخصیت زمان خود طرفداران زیادی به ویژه میان دختران جوان پیدا کرده بود و اسم مستانه نیز برای مدتی رونق گرفت. او که دلداده ادیبان شده بود، برای این علاقه و رساندن او به خواسته‌هایش تلاش فراوان کرد و عقوبتش را هم چشید و از وصال نیز آنچنان که باید ناکام ماند. لیلا حاتمی نخستین نقش جدی خود در قاب تلویزیون را در قامت مستانه تجربه کرد.

پیش از آن اندک تجربه‌هایی در این رسانه داشت که به کودکی‌اش بازمی‌گشت. این حضور، او را که در سینما شناخته شده بود، در تلویزیون نیز به مخاطبان شناساند. تجربه خوب جعبه جادو، اما دیگر هرگز تکرار نشد. سریال پریدخت که این بازیگر سال‌ها بعد از «کیف انگلیسی» در آن بازی کرد، ابدا تکرار این موفقیت نبود و به آخرین ایفاگری او در تلویزیون تاکنون بدل شده است. هر چند او در آن سریال هم با علی مصفا، همبازی شد. بازیگرانی که کنار هم برای مخاطبان یادآور خاطره خوش «کیف انگلیسی» بودند. مصفا، بازیگر نقش اصلی سریال دری هم هرگز نتوانست یا شاید نخواست که این موفقیت را بار دیگر در قاب سیما تجربه کند و فعالیتش بیشتر به سینما معطوف شد.

سفرکرده‌ها

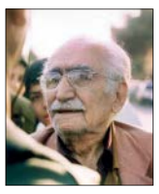

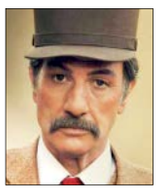

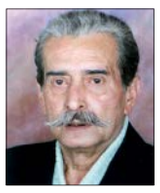

بسیاری از عوامل و بازیگران این سریال امروز صحنه دنیا را ترک و به دیاری دیگر سفر کرده‌اند. از میان فهرست بلندبالای درگذشتگان، نخست می‌توان به صاحب اثر، سیدضیاالدین دری اشاره کرد که بیش از دو سال است در خاک آرمیده. سیروس گرجستانی، بازیگر نقش خان را هم امسال از دست دادیم. هنرپیشه‌ای که نمی‌توان این نقش را بدون او تصور کرد. فاطمه طاهری در نقش خانم ادیبان، جعفر بزرگی در نقش حاج‌آقا شکرریز، مهدی تقی‌نیا در نقش سیامک ساسان، منصور والامقام در نقش ادیبان پدر و پرویز بشردوست در نقش قاضی دادگاه از جمله دیگر بازیگران این سریال هستند که دارفانی را وداع گفتند. عظیم جوانروح، فیلمبردار حرفه‌ای سینما و تلویزیون ایران هم که کار تصویربرداری این سریال و آثار دیگری چون سرنخ، معصومیت ازدست رفته، مختارنامه و... را برعهده داشت، نیز دیگر در میان ما نیست.

همه خاطره‌سازها در یک کارنامه

حسن بشکوفه، تهیه‌کننده این سریال کارنامه حرفه‌ای دارد که سراسر آثار آن به ویژه تلویزیونی‌هایش تماشایی، خاطره‌انگیز و درخور توجه هستند. کافی است نام‌هایشان را با هم مرور کنیم: پهلوانان نمی‌میرند، کیف انگلیسی، شب دهم، روشن‌تر از خاموشی و مدار صفر درجه. هر یک از این سریال‌ها که در زمان پخش خود با استقبال مخاطبان سیما مواجه شدند و نظر منتقدان را به خود جلب کردند، برای پربار کردن یک کارنامه هنری کافی است. این تهیه‌کننده اما این روزها کم کار شده و سال‌هاست سریالی برای تلویزیون نساخته است.

گفت‌وگو با قطب‌الدین صادقی، بازیگر نقش آقای پیرایش

کیف انگلیسی برایم تاوان سنگینی داشت

قطب‌الدین صادقی بازیگری که در کیف انگلیسی نقش ماندگاری را از خود در کارنامه‌اش به جا گذاشت و همان روزها هم به گفته خودش بازخوردهای زیادی از بازی در این مجموعه گرفت، در گفت‌وگو با جام جم از ماجرای انتخاب شدنش برای این نقش و فضایی که آن روزها به دیده شدن آن کمک کرد، گفت. او در نقش مقامی صاحب‌نفوذ بود که بسیاری از اتفاقات پشت پرده سیاست کشور را شکل می‌داد.

کمی از آن روزها و زمانی که برای این نقش انتخاب شدید بگویید.

من می‌دانم آن موقع برای این نقش چند کاندیدا داشتند، چهره‌هایی مثل آقای کیانیان و انتظامی اما در نهایت تصمیم‌شان بر این می‌شود که من این نقش را ایفا کنم. گویا آن موقع‌ها آقای دری می‌گوید قطب‌الدین صادقی کارگردان است و آقای شریفی‌نیا که در این سریال مسوول انتخاب بازیگران بود، می‌گوید که بله، اما او بازی هم می‌کند. در ادامه من رفتم و با آقای دری صحبت کردم، گفت‌وگویی که در همان ده دقیقه اول که ما با هم آشنا شدیم داشتیم، به توافق رسیدیم و آقای دری هم از این اتفاق بسیار خرسند بود.

و رسیدن به آن گریم هم گویا داستان داشته است.

بله، برای این نقش بعد از صحبتی که شد فوری برای تست گریم رفتیم و نزدیک به چهار بار چند گریم متفاوت را امتحان کردند. بعد از این آزمون و خطاها در نهایت به آنچه که می‌بینید رسیدیم. آقای شریفی‌نیا در این ماجرا نقش مهمی داشت و اصرارش بر این بود که مثل معمول و تصویری که از من بود گریمم نکنند تا چهره و اتفاق تازه‌ای به واسطه این گریم بیفتد. به همین دلیل او المان‌های دیگری مثل موی بلند را پیشنهاد داد و تصویربرداری چند روز عقب افتاد تا آن کلاه گیس معروف آماده شود.

در کنار اینها، کیف انگلیسی در آن مقطع تنها سریال سیاسی-اجتماعی آن روزها بود و می‌دانیم که با انتخابات مجلس هم تصویربرداری آن همزمان شده بود. به نظر شما دلیل اقبال از آن چه بوده و فضای موجود چقدر روی این ماجرا تاثیر داشته؟

آن موقع همزمان با این مجموعه موارد مختلفی وجود داشت که در سریال هم تا حدی منعکس شده بود، آن زمان مساله انتخابات بود، مساله مطبوعات، رابطه ما با انگلیس و موارد مختلف دیگری بود که مردم به همه آنها حساس بودند و علاوه بر حساسیت‌های اجتماعی-سیاسی که همیشه برای مردم جای پرسش داشت، در دل قصه یکی دو رابطه خانوادگی و عاشقانه هم بود و به نظر من وجود این داستانک‌ها موضوع را از هر نظری جذاب می‌کرد. در واقع تحولات عاطفی یکی دو زوج در طول اتفاقات مختلف وجود داشت که چاشنی ماجرا بود و به نظر من خیلی هم خوب در کار چفت شده بود. علاوه بر این همه مواردی که از آن گفتیم، به خوبی ساخته شده بود.

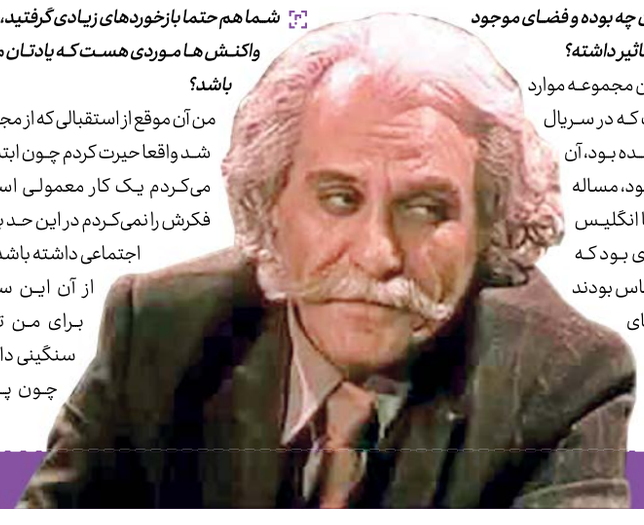

در واقع منظورتان تاثیر نگاه و کارگردانی آقای دری در این موارد است؟

بله، خدا رحمت کند آقای دری را. باید بگویم استقبالی که مردم از این سریال کردند فقط به خاطر مضمونش نبود بلکه به دلیل ساختار اجرایی، بازی خوب بازیگران و همه این موارد بود. آقای دری واقعا خلاق و با نگاه هنری بود و بعد از این کار با هم رفیق شدم.

شما هم حتما بازخوردهای زیادی گرفتید، از این واکنش‌ها موردی هست که یادتان مانده باشد؟

من آن موقع از استقبالی که از مجموعه شد واقعا حیرت کردم چون ابتدا فکر می‌کردم یک کار معمولی است و فکرش را نمی‌کردم در این حد بازتاب اجتماعی داشته باشد. بعد از آن این سریال برای من تاوان سنگینی داشت، چون پس از کیف انگلیسی نزدیک به ۲۵ سریال را رد کردم و می‌گفتم بعد از آن نقش این موارد ارزش بازی کردن ندارند. در ادامه بعد از رد کردن این پیشنهادها اولین کاری که قبول کردم، فاکتور هشت بود و در تمام این مدت نقشی نبود که بتوانم آن را بپذیرم. یعنی واقعا آن نقش در کیف انگلیسی توقع مرا از سریال‌سازی بالا برد.

شما در کلاه پهلوی هم با آقای دری همکاری داشتید و خیلی از منتقدین معتقدند که این مجموعه نتوانست موفقیت کیف انگلیسی را کسب کند، شما چه نظری دارید؟

به نظر من کیف انگلیسی قوی‌تر بود. در کلاه پهلوی تناقضاتی وجود داشت. همچنین موضوع این سریال به عقیده من کهنه شده و برای پرداخت به آن دیر بود تا جایی که مردم هم به آن تا حدی واکنش داشتند و گرایش چندانی به آن پیدا نکردند. به همین دلیل باعث شد کلاه پهلوی توفیق کمتری از نظر اقبال عمومی داشته باشد. کیف انگلیسی مسائل سیاسی را در بعد وسیع‌تری مطرح می‌کرد اما کلاه پهلوی بیشتر شکل یک تسویه حساب درونی را داشت. به نظر من اغلب این کارهای تاریخی که با استقبال کمی مواجه می‌شوند هم درگیر این قضیه‌اند و در واقع آن طور که باید دراماتیزه نشده‌اند.

ظاهرا قرار بود یک کار دیگر هم با آقای دری داشته باشید؟

روح آقای دری شاد، ما قرار بود در سنجرخان باز هم با هم کار کنیم و قراردادش را هم بستیم اما اجل مهلتش نداد. جای او همیشه سبز است و جایش در دل من به عنوان یک دوست بزرگ همیشه ماندگار است.